

نقشهای دستوری و معنایی اسم در فارسی و انگلیسی

علی خزاعی فر

هر زبان ساختمان نحوی و معنایی مخصوص به خود دارد. در نتیجه یک پیام واحد در دو زبان همیشه در قالبی مشابه بیان نمی‌شود. مترجمان برای انتقال پیام از زبانی به زبان دیگر، روشهای مختلفی به کار می‌برند. در شماره‌های ۳ و ۴ مترجم به برخی از این روشها اشاره کرده‌ایم. یکی از این روشها، روش "تغییر صورت" است. مترجم وقتی به این روش متوسل می‌شود که نمی‌تواند قالب پیام را عیناً در ترجمه بازسازی کند، پس پیام را در قالب یا صورت دستوری متفاوتی بیان می‌کند. برای مثال، برای آنکه مترجم پیامی را به فارسی روان بنویسد، گاه مجبور است اسم جمع را به اسم مفرد، قید را به صفت، معلوم را به مجهول و یا گروه (phrase) را به بند (clause) تبدیل کند. در این مقاله از یک نوع تغییر صورت که گاه در ترجمه از انگلیسی به فارسی ضرورت می‌یابد سخن می‌گوییم و آن تغییر نقش دستوری فاعل است. نخست لازم است توضیحی در باره نقش دستوری بدسیم.

اسم یا عبارت اسمی در جمله می‌تواند سه نوع نقش متفاوت داشته باشد. این سه نقش عبارتند از نقش دستوری، نقش معنایی و نقش کلامی. در این مقاله کاری به نقش کلامی اسم نداریم و بحث را به دو نقش معنایی و دستوری محدود می‌کنیم. نقش دستوری اسم، همان مقوله دستوری اسم است. اسم یا عبارت اسمی در جمله یا فاعل است، یا مفعول صریح یا مفعول غیر صریح (مفعول حرف اضافه)، و این، نقش دستوری آن است. و اما نقش معنایی چیست؟ جمله یا بیانگر یک وضعیت یا بیانگر یک واقعه است. مثلاً جمله "هوا سرد است" وضعیتی را گزارش می‌کند حال آنکه جمله "علی نان را با چاقو برید" بیانگر یک واقعه است. هر جمله خواه در باره یک وضعیت باشد خواه در باره یک واقعه، متشکل از یک یا چند اسم یا عبارت اسمی است که هر کدام در واقعه نقش متفاوتی دارند. این نقشها را نقشهای معنایی اسم می‌گویند. اسم ممکن است عامل عمل (agent)، پذیرنده عمل (patient)، بهره‌ور از عمل (benefactive یا dative)، مکان عمل (locative)، وسیله عمل (instrument)، منشأ عمل (source) یا "همراه فاعل" (associative) باشد. برای مثال در جمله "علی نان را با چاقو برید"، نقش معنایی علی، عاملیت، نقش معنایی نان، پذیرندگی، و نقش معنایی چاقو وسیله بودن است. در همین جمله از لحاظ نقش دستوری، علی، فاعل، چاقو، مفعول‌بائی و نان، مفعول‌رانی است. همچنین در جمله‌های "من از علی کلید را گرفتم" "با برادرم رفتم خانه" منشأ فعلی گرفتن "علی" است و "خانه" و "برادرم" به ترتیب "مکان عمل" و "همراه فاعل" هستند. مفعولی که نقش منشأ عمل دارد، معمولاً به صورت "مفعول‌ازی" و مفعولی که نقش همراه فاعل دارد به صورت "مفعول‌بائی" در جمله ظاهر می‌شود. در جمله "علی نان را با چاقو برید" فاعل و عامل یکی است. اما مشکل اینجاست که فاعل همیشه عامل نیست و زبانهای مختلف از لحاظ نقشهای معنایی که به فاعل یا مفعول واگذار می‌کنند توانایی‌های متفاوتی دارند. و اینجاست که این بحث به ترجمه مربوط می‌شود.

در ترجمه یک جمله از زبانی به زبان دیگر معمولاً مترجم ابتدا سعی می‌کند نقش دستوری عبارت اسمی را در ترجمه حفظ کند. اما گاه این کار ممکن نیست و مترجم مجبور است ضمن حفظ نقش معنایی عبارات اسمی، نقش دستوری دیگری به آن بدهد. برای مثال جملات زیر را در نظر بگیرید:

- | | |
|----------------------------------------------|---------------------------------|
| 1. Ali posted the letter. | علی نامه را پُست کرد. |
| 2. Ali received a letter. | علی نامه‌ای دریافت کرد. |
| 3. Ali hears with a hearing aid. | علی به کمک سمعک می‌شنود. |
| 4. The book fell on the floor. | کتاب افتاد کف اتاق. |
| 5. The second floor collapsed with the roof. | طبقه دوم به همراه سقف فرو ریخت. |
| 6. The hammer broke the window. | چکش پنجره را شکست. |

در جمله اول Ali فاعل و عامل و the letter the مفعول و پذیرنده عمل است. در جمله دوم Ali فاعل و بهره‌ور از عمل و a letter مفعول و پذیرنده عمل است. در جمله سوم Ali فاعل و بهره‌ور از عمل و hearing aid مفعول غیر صریح و یا مفعول حرف اضافه و وسیله عمل است. در جمله چهارم the book فاعل و پذیرنده عمل و the floor قید مکان و مکانی عمل است. در جمله پنجم، the second floor فاعل و پذیرنده عمل و the roof مفعول حرف اضافه است و نقش "همراهی" دارد و بالاخره در جمله ششم، the hammer فاعل و وسیله عمل است و پنجره مفعول و پذیرنده عمل. در ترجمه جملات فوق، نقشهای دوگانه تمامی عبارات اسمی عیناً حفظ شده است. اکنون به مثالهای زیر توجه کنید:

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------------|
| 7. He approached the intersection. | او به تقاطع نزدیک شد. |
| 8. They didn't rob her. | آنها از او چیزی نذریدند. |
| 9. She fought with her mother. | او با مادرش (علیه مادرش) مبارزه کرد. |

در هر یک از مثالهای فوق، نقش دستوری مفعول در جمله انگلیسی با نقش دستوری آن در ترجمه تفاوت دارد. در جمله (۷)، the intersection مفعول صریح است حال آنکه از لحاظ معنایی بیانگر مکانی است که فاعل به سوی آن در حرکت است. در فارسی معمولاً مکانی عمل را به صورت مفعول صریح بیان نمی‌کنند. بلکه آن را به صورت مفعول غیر صریح (مفعول بائی) در می‌آورند. در جمله (۸)، نقش دستوری her مفعول صریح است ولی از نظر معنایی her منشأ عمل است. و بالاخره در جمله (۹)، her mother مفعول صریح است حال آنکه از نظر معنایی نقش همراهی دارد. (توجه کنید که جمله She fought with her mother به دو صورت تعبیر می‌شود: یکی آنکه او به همراه مادرش مبارزه کرد، دیگر آنکه او علیه مادرش مبارزه کرد. جمله "او با مادرش مبارزه کرد" نیز همین ابهام را دارد.

اکنون می‌پردازیم به مقایسه انگلیسی و فارسی از لحاظ تنوع نقشهای معنایی که به فاعل واگذار می‌کنند. هاوکینز (۱۹۸۶: ۶۷) یکی از وجوه اختلاف زبان انگلیسی و آلمانی را چنین بیان می‌کند: "در زبان انگلیسی، برخلاف زبان آلمانی، فاعل و مفعول عهده‌دار نقشهای بسیار متنوعی هستند. این توانایی از آنجاست که این زبان فاقد نظام حالت (case system) است و فاعل و مفعول نشانه حالت ندارند حال آنکه در زبان آلمانی به دلیل وجود نظام حالت، نقش‌همنایی هر اسم با نشانه حالت مشخص می‌شود و در نتیجه فاعل و مفعول نقشهای معنایی محدودتری ایفا می‌کنند". در مورد این که چرا فقدان نظام حالت چنین توانایی به زبان انگلیسی بخشیده، کرک وود (۱۹۷۸) سخنی دارد که خلاصه آن چنین است: در زبان انگلیسی ساختمان نحوی جمله ساده به این صورت است که قبل از فعل باید ضرورتاً یک اسم یا عبارت اسمی بیاید و این عبارت اسمی (در حالت بی‌نشان unmarked) فاعل جمله تلقی خواهد شد. اما به دلیل ضرورت‌های کلامی گاه لازم می‌شود عبارتی اسمی غیر از فاعل در ابتدای جمله قرار بگیرد. در اینجا تقابلی پیش می‌آید. از یک طرف ابتدای جمله جایگاه فاعل است، از طرف دیگر عبارتی اسمی که نقش معنایی غیر از عاملیت دارد، باید به دلیل ضرورت کلامی در ابتدای جمله به جای فاعل

بنشینند. این تقابل به این ترتیب رفع می‌شود که فاعل عهده‌دار نقش معنایی عبارت اسمی می‌شود. زبان فارسی نیز مانند زبان انگلیسی نظام حالت خود را از دست داده است. در هر دو زبان فاعل، فاقد نشانه حالت است و نقش معنایی مفعولهای غیر صریح با حرف اضافه بیان می‌شود. تنها نشانه حالت در فارسی، به اعتدال برخی دستورنویسان و زبان‌شناسان، حرف "را" است که معمولاً در پی مفعول صریح معرفه ظاهر می‌شود. اما در فارسی، در مقایسه با انگلیسی، ارکان جمله با آزادی بیشتری در طول جمله جابجا می‌شوند. در فارسی، بخصوص در فارسی محاوره، همه ارکان جمله حتی فعل را می‌توان به اقتضای کلام در هر جایگاه قرار داد، حال آنکه در انگلیسی نمی‌توان فعل را بر فاعل و مفعول مقدم کرد. از آن گذشته در فارسی، برخلاف انگلیسی، لزومی ندارد که جمله حتماً فاعل داشته باشد. در انگلیسی جمله حداقل دو عضو دارد، یکی فاعل دیگری فعل. اما در فارسی جمله حداقل یک عضو دارد و آن فعل است زیرا نه تنها فاعل بلکه مفعول را نیز می‌توان حذف کرد و آنها را به صورت ضمیر پیوسته نشان داد، مثل "می‌بینمش". و به همین دلیل است که در فارسی نیازی به کلماتی مثل *it* و *there* که در جملات انگلیسی مانند *It is cold* و *There is a book on the table* کار فاعل را انجام می‌دهند نیست. اگر استدلال کرک‌وود در مورد زبان انگلیسی را بپذیریم، در این صورت باید گفت که در فارسی به دلیل سهولت در جابجایی ارکان جمله برای مقاصد کلامی، نیازی احساس نمی‌شود که فاعل برخی نقشهای معنایی را به عهده بگیرد. در فارسی مفعول را بی‌آنکه ضرورتی برای تغییر نقش دستوری آن باشد می‌توان در ابتدای جمله قرار داد. به مثالهای زیر توجه کنید:

10. a. Six people can sleep in this room.

10. b. The room sleeps six people.

در این اتاق ۶ نفر می‌توانند بخوابند.

11. a. In the tunnel, water was seeping through the roof.

11. b. The roof of the tunnel was seeping water.

از سقف تونل آب می‌چکد.

12. a. Out of this material you can tailor five dresses.

12. b. This material tailors five dresses.

با این پارچه شش لباس می‌توانی بدوزی.

در جملات دسته (b) فوق، مفعول، اعم از مفعول صریح یا غیر صریح، نقش دستوری فاعل یافته و به ابتدای جمله منتقل شده است. جملات دسته (a) همان مفهوم جملات دسته (b) را بیان می‌کنند اما با آنها تفاوت دارند. تفاوت میان این دو دسته جمله، تفاوت کلامی است. در مثال (۱۰)، جمله اول با *six people* و جمله دوم با *the room* شروع می‌شود. بدیهی است این دو جمله مناسب دو بافت متفاوت است. در ترجمه جملات فوق، مفعول صریح و غیر صریح ضمن آنکه در ابتدای جمله قرار گرفته‌اند، نقش دستوری خود را حفظ کرده‌اند.

همچنین در فارسی محاوره می‌توان مضاف‌الیه را از مضاف و مفعول غیر صریح را از حرف اضافه خود فک (جدا) کرد و آن را به ابتدای جمله انتقال داد. (این فرایند را دستورنویسان فک اضافه می‌نامند.) با انتقال اسم به ابتدای جمله از این طریق، ضمن آنکه نیاز کلامی بر طرف می‌شود، نیازی به تغییر نقش دستوری اسم نیست. برای مثال، با استفاده از این روش، جملات (۱۰) تا (۱۲) را به ترتیب چنین می‌توان ترجمه کرد:

۱۳- این اتاق شش نفر می‌تونن توش بخوابن.

۱۴- سقف تونل ازش آب می‌چکه.

۱۵- این پارچه رو شش تا لباس می‌تونی ازش در آری.

بدین ترتیب در ترجمه جملات انگلیسی که در آنها مفعول غیر صریح به ابتدای جمله انتقال یافته و نقش فاعل دستوری پیدا کرده است، معمولاً تغییر صورت ضرورت می‌یابد، هر چند که در برخی موارد در فارسی نیز نقش

دستوری مفعول غیر صریح به فاعل انتقال می‌یابد. برای مثال جمله "شش نفر را با این غذا می‌توانی سیر کنی" در زبان محاوره گاه به صورت "این غذا شش نفر را سیر می‌کند" بیان می‌شود. این هم چند نمونه دیگر از این قبیل جملات انگلیسی و ترجمه آنها:

16. A few years ago a pfennig would buy two or three pins.

چند سال قبل با یک فنیک می‌شد دو یا سه سوزن خرید.

17. The latest edition of the book has dropped a chapter.

از آخرین چاپ کتاب یک فصل افتاده.

18. The boat broke its rudder on the first day.

سکان قایق روز اول شکست.

19. The book sold 10,000 copies.

ده هزار نسخه از کتاب به فروش رفت.

20. These ingredients will bake 4 cakes.

با این مواد چهار کیک می‌توان پخت.

21. John wonnded his leg in the war.

پای جان در جنگ زخمی شد.

22. The road was rusting with dead leaves.

برگهای خشک در جاده خش خش می‌کرد.

23. This loses us the best player.

این به قیمت از دست دادن بهترین بازیکنمان تمام می‌شود.

چنانکه از مثالهای فوق برمی‌آید، در فارسی نمی‌توان همه نقشهای معنایی را به فاعل واگذار کرد. در فارسی فاعل می‌تواند نقشهای مختلف زیر را بازی کند:

- نقش عاملیت: علی‌نامه را پست کرد.
- نقش بهره‌وری: علی‌نامه‌ای دریافت کرد. (کسی برای علی‌نامه‌ای فرستاد.)
- نقش پذیرندگی: برف آب شد. (گرما باعث آب شدن برف شد.)
- نقش ابزار عمل بودن: چاقو در را باز کرد. (با چاقو در را باز کردم.)
- نقش مکان عمل بودن: تهران امسال تابستان گرم می‌شود. (هوا امسال تابستان در تهران گرم می‌شود.)

هر چند جملات فوق بیانگر نقشهای معنایی متعددی است که فاعل می‌تواند ایفا کند، این بدان معنی نیست که در فارسی انتقال نقش معنایی غیر از عاملیت به فاعل، فرایندی فراگیر و زیاست و یا اینکه هر جمله انگلیسی را که در آن فاعل نقش معنایی غیر از عاملیت دارد می‌توان به جمله نظیر در فارسی ترجمه کرد. برای مثال جمله *This room stinks* را می‌توان به "این اتاق بو می‌دهد" ترجمه کرد. اما ترجمه *This tent sleeps four* به "این چادر چهار نفر را می‌خواباند" قابل قبول نیست. در فارسی به دلیل اینکه ضرورت انتقال نقشهای مختلف معنایی به فاعل احساس نمی‌شده، فعل محدودیتهای ترکیبی و معنایی بر فاعل تحمیل می‌کند (مثلاً فعل خواباندن را نمی‌توان به چادر نسبت داد) ولی در انگلیسی این قبیل محدودیتهای ترکیبی و معنایی کمتر است چون فرایند انتقال نقشهای معنایی غیر از عاملیت به فاعل، فرایند زیایتری است. چنانکه گفتیم، کاری را که انگلیسی با انتقال نقش معنایی به فاعل انجام می‌دهد، فارسی با ابزار دیگری انجام می‌دهد.

در خاتمه لازم است به این نکته اشاره کنیم که از دو نقش معنایی و دستوری اسم، نقش معنایی برای مترجم اهمیت بیشتری دارد چون نقش معنایی اسم در جمله مبدأ و در ترجمه باید یکسان باشد حال آنکه با توجه به تواناییهای متفاوت زبانها لازم نیست در دو جمله مبدأ و در ترجمه نقش دستوری واحد داشته باشد. در زبان انگلیسی مواردی است که یک اسم با توجه به نقش دستوری که می‌پذیرد، نقش معنایی متفاوتی ایفا می‌کند. برای مثال، در سه جمله زیر، کلمات *fat/pan* و *tree/garden* و *paint/wall* یک‌بار به صورت مفعول صریح و در نقش

معنایی پذیرنده عمل و بار دیگر به صورت مفعول حرف اضافه و در نقش معنایی مکان یا ابزار عمل بیان شده تفاوت معنایی این دو دسته جمله تا حد امکان در ترجمه فارسی آنها نمود یافته است:

24. a. John smeared paint on the wall. جان رنگ روی دیوار مالید.
 24. b. John smeared the wall with paint. جان دیوار را رنگ کرد.
 25. a. John planted trees in the garden. جان در باغ درخت کاشت.
 25. b. John planted the garden with trees. جان باغ را درختکاری کرد.
 26. a. He cleaned the fat out of the pan. او چربی را از ماهی تابه پاک کرد.
 26. b. He cleaned the pan of the fat. او ماهی تابه رو چربشو پاک کرد.

در جملات فوق، اسمی که به صورت مفعول صریح ظاهر شده، نقش معنایی پذیرندگی عمل را ایفا می‌کند. در این جملات، به طوری که موراوچیک (۱۹۷۸: ۲۵۵) می‌گوید، مقصود گوینده اشاره به تأثیری است که رنگ، درخت و چربی، و نه دیوار و باغ و ماهی تابه، از عمل پذیرفته‌اند. اما در جمله‌ای که اسم مکان در جایگاه مفعول صریح می‌آید، عمل کل مکان را دربرمی‌گیرد. بدین ترتیب در دسته جملات (b) بالا، مقصود گوینده این است که جان کل دیوار را رنگ کرده یا تمام باغ را درختکاری کرده است. اکنون دو دسته جمله زیر را در نظر بگیرید:

27. She swam the channel.
 28. She swam across the channel.
 29. John rode the horse.
 30. John rode on the horse.

در اینجا نیز جملات هر دسته با یکدیگر اختلاف معنی دارند. در جمله (۲۷)، چنانکه گیون (۱۹۸۴: ۹۸) می‌گوید، مقصود گوینده بیان اهمیت عمل به عنوان نوعی پیروزی است، اما در جمله (۲۸) گوینده صرفاً به عبور از کانال به وسیله شنا اشاره دارد. در جمله (۲۹) نیز مقصود آن است که جان توانست اسب را مهار کند و از آن سواری بگیرد اما از جمله (۳۰) چنین معنایی بر نمی‌آید.

مراجع

1. Givon, T. (1984) 'Syntax, a Functional- Typological Introduction' Vol. 1, Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
2. Hawkins, J. A. (1986) *A comparative Typology of English and German*. London: Croom Helm.
3. Kirkwood, H. W. (1978) 'Options and Constraints in the surface Ordering of Noun Phrases in English and German' *Journal of Pragmatics*, 2, 225-45.
4. Moravcsik, E.A. (1978) 'On the Case Marking of Objects' in Greenberg J.H. (ed), *Universals of Human Language*, Vol. 4, Stanford: Stanford University Press.

جملات مثال (۱) تا (۹) و (۲۷ تا ۳۲) از گیون، جملات (۱۰) تا (۲۳) از هاوکینز و جملات ۲۴ تا ۲۶ از موراوچیک برگرفته شده است.